

با عرض سلام و خسته نباشید و خیر مقدم به مهمان گرامی - مدیر محترم برنامه و امیدوارم که موفق باشید

بحث گردشگری امروز یک بحث خیلی مهم هست در دنیا چون داره محور تحول نظام اجتماعی در کشور های مختلف می شه و به همین جهت هم مردم و هم دولتها به آن می پردازند چون کارکردهای مختلفی داره خصوصا این صنعت امروز در بحث درآمدزایی اشتغال آفرینی عدالت گستری فقرزدایی حفظ محیط زیست و پایداری اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده و موضوع بحثها در امروز که گردشگری روستایی است یکی از جنبه های گردشگری در دوره های پست مدرن است . بسیار بحث مهمی است گردشگری روستایی علی رغم اینکه وقتی اسم روستا میاد سادگی ها و به اصطلاح زندگی طبیعی و فرکلور و چیزای خوب به ذهن آدم میاد ولی جامعه روستایی یک جامعه پیچیده ای است - جامعه ای است که با طبیعت عجین بوده و زندگی شکل طبیعی خود را پیدا کرده و دوران مدرن با چالش روبرو شده الان عناصر فکری و حتی فیزیکی جامعه مدرن به سراغ مردم روستا هم رفتند یعنی روستایی اون روستای قدیم ۱۰۰ سال پیش نیست . روستایی است که تلویزیون می بینه سریال می بینه تلگرام داره با نیای پسامدرن اگر ننگن بیشتر از شهری ها کمتر از شهری ها ارتباط نداره بنابراین ما با یک پدیده بسیار پیچیده ای سر و کار داریم علی رغم اون ظاهر ساده ای که فکر می کنیم اون روستاست و اطلاع ندارن نه اصلا . من بعضی وقتا می بینم بعضی از اخبار بین المللی را روستایی ها برام می فرستند که من در تهرانم و درگیری آکادمیک دارم و کارای بین المللی می کنم اطلاع نداشتم نظرتون چیه یا مثلا اظهار نظر می کنه پس فرآیند جهانی شدن و فرآیندی که همه عرصه های زندگی رو اعم از فرهنگ و سیاست و اقتصاد و اجتماع درنوردیده است و زندگی روستایی ما هم مستولی است . ما در بحث گردشگری وقتی که تقسیم می کنیم جاذبه ها رو : جاذبه های طبیعی - فرهنگی - صنعتی و خدماتی . می تونیم بگیم که گردشگری روستایی بیشتر در دو جاذبه طبیعی و فرهنگی قابل تعریف هست یعنی تکلیف ما از نظر کارشناسی مشخص است که attraction که ما داریم راجع بهش بحث می کنیم بیشتر بحث اپولوژیک هست بحث اکو توریسم هست بحث Community هست و اجتماع هست بحث فولکلور و فرهنگ است واسه تاریخ هم هست خیلی از روستاها سابقه های تاریخی دارند و یا آثار میراثی و تاریخی در آنها هست و از یک طرف دیگر ما با آیتم های مختلفی سر و کار داریم که همه این موارد یعنی هم طبیعت هم اجتماع هم فرهنگ رو تحت تاثیر قرار داده خصوصا در صد سال اخیر که مدرنیته در کشورهایی مثل ایران گسترش پیدا کردند . می دانید که در زندگی قدیم روستایی گردش معنی نداشت یعنی ما در یک مرحله سنتی که تحت عنوان جهانگردی ازش نام می بردیم و می بریم هنوز هم در اونجا ممکن است یک نفری هوس زیارت کعبه بکند و یا زیارت فلان مکان مقدس را کند یا به عنوان ماجراجویی حرکت بکند و یا چند نفر به هیچ وجه معنادار نیست که گروه های متعدد و متوالی حرکت کنند و مثلا از روستایی به روستای دیگر و حتی شهر به روستا برنند . این خیلی مفهوم کلیدی است که در ایران کمتر به آن توجه شده و در نیتراهای کتاب ها دانشکده ها مقالات و آژانس ها شما هنوز عنوان جهانگردی را می بینید . جهانگردی مربوط به دوره سنتی بود دوره ای که هنوز تور تعریف نمی شد . جهانگرد ممکنه که مبدا مشخصی داشته باشه ولی مقصد معین واقعی نداشت . میرفت به سرزمین خودش یا اگر هم داشت مثل مکان های زیارتی اینقدر مقاصد دیگر در راه بود که چندین ماه طول می کشید به همین دلیل ما این دوره را به دوره روستایی از نظر خود روستا چون زندگی طبیعی است در اون جاها آب بود چشمه بود کوه برف بود عشق بود درخت بود جنگل بود احتیاج خیلی به این سفرهای اینچینی که تفریحی باشه یا برای فرار از یکنواختی زندگی

شهری باشه معنی نداشت . فرار از زندگی شهری در دوره مدرن اتفاق میوفته از وقتی که تمایزپذیری اجتماعی و تقسیم کار اتفاق میوفته و ساعت کار معین میشه . یعنی شما حتما باید ۸ صبح سرکار حضور داشته باشید الان که البته اصلاح شده . قبلا ۶ بوده در اروپا مثلا تا ۶ بعداز ظهر بعد تا همین ILO و همین جنبش های کارگری و حقوق بشری و امسال اینها اومدن اینو محدود کردن به ۸ ساعت کاری . قبلا مثلا از طلوع تا غروب بوده که بعد تعطیلات شنبه و یکشنبه و رفتن به کنار دریا و گرفتن آفتاب که برای اونها خیلی معنادار بوده . یعنی اوقات فراغت مبدا تعریف به اصطلاح گردشگری در دوران مدرن هست . این که اتفاق افتاد مردم شهر احساس کردند که به طبیعت نیاز دارند . در دوران مدرن خیلی بحث رفتن به طبیعت و خارج از شهر در ایام تعطیل و هنوز ما در تهران هم مشاهده می کنیم مثلا این جمعه بریم جاده چالوس و بریم به سمت سد لتیان بز نیم بیرون از خونه و عصر برگردیم این یک سفر هست یعنی در واقع یک سفر محدودی است که در تعریف گردشگری نمی گنجد . تلویزیون هم نشون می داد چون سوادمون زیاد شده میگفت که گردشگری در تهران با دوچرخه . می خواد تهرانگردی رو بگه متوجه نیست که این گردشگری نیست چون شما می تونید با دوچرخه جاهای هموار تهران رو بگردید ولی گردشگر وقتی اتفاق میوفته هم از تعریفی که UNWT کرده و هم اگر ما به این تعریف اتکا نکنیم بقیه محاسبات رو برسیم که اقامت شبانه اتفاق بیافتد . در دوران مدرن معنی هم نداشت که گردشگر شهری بره در روستا اقامت شبانه بکنه چون یکی از مهمترین مسائلی که ما داریم بحث اقامتگاه های مناسب هست . اگر میرفتن به این روستاهای اطراف شهر و برمی گشتند . جدیداً که داره گردشگری تو مرحله پست مدرن و در بعد از اون دوره پساپست مدرن که حالا با دوره مجازی سر و کار داره بیشتر اتفاق میوفته ما میبینیم مفاهیمی مثل بومگردی داره اختراع می شن و به اصطلاح تصور اینکه ما بریم بوم رو بگردیم ولی بوم معمولا یک جای دورتر از خانه ماست یعنی مقصد ما رو مجبور به اقامت شبانه می کنه که حالا اون اقامت شبانه در روستا و در محیط هایی که بیشتر اکولوژی هست و اکوتوریسم در اونجا اهمیت پیدا می کنه مبتنی بر اینکه که به اصطلاح اقامت بکنیم و حداقل چیزها رو داشته باشه و البته الان تو شرکت ها و موسسات بزرگ درگیر این صنعت شده سعی می کنند که امکانات نسبتاً مناسبی با یک امکانات روستایی فاخر و یک نقلی هم به تاریخ و تمدن و ادوات و البسه و فرنیچر قدیمی ولی برخوردار از جدید انجام بدن که گردشگری روستایی رو کمپلکس می کنه یعنی در واقع ما اون مجتمع و مجموعه اصلی رو باید مد نظر داشته باشیم . خود گردشگری روستایی وقتی که اتفاق میوفته ما رو به یاد یک تجربه میندازد اصلا هر گردشگری که در مرحله پست مدرن وصل میشه مبتنی بر نوستالوژیست ما طبیعت را از دست دادیم با سیمان و آهن و شهر حالا می خواهیم برگردیم به مقدار به هوای تازه بخوریم به زندگی ساده تری رو ببینیم تراکم جمعیتی شلوغی آلودگی ترافیک و سر و صدا و به اصطلاح درگیری های کمتری رو هم مثلا حتی برای یک شب دو شب تجربه کنیم . میبینیم که اصلا در زندگی قبل از مدرنیته یک چیزی شکل اون چیزی که ما الان بهش می گیم اکسپرسیونیسم اتفاق میافتاده . بشر لذت کار و زندگی رو توام داشته اینجور نبوده که کار همش مشقت باشه یعنی اونجا که کار می کرده گل هم بوده آهو هم بوده حیوانات هم بودن چشمه هم بوده خودش هم کار و تلاش می کرده مثل یک بخشی از طبیعت . البته قسر اتفاق میوفته و اما خیلی از به اصطلاح مفاهیم رو میبینیم که مبتنی ست بر تکنولوژی - سطح تکنیکی بالاتر دیگه از اون حالت طبیعی خارج میشیم و باید در دنیای مدرن یکسری چیزها رو باور کنیم و یکسری از این عناصر و واقعیت ها خودشون رو بر ما تحمیل می کنند . همین عنوان باعث شده که اون نوستالوژی میراث فرهنگی میراث طبیعی برای ما اهمیت داشته باشه . اصلا من در یک مقاله ای قبلا گفتم در اینترنت هم هست و در روزنامه شرق که معمولا یادداشت های من چاپ میشه اینم دیشب دیدم که تو اون پیدا کردم خودم . سفر به گذشته نزدیک خیلی از کسانی که در شهر هستند اینها یک گذشته نزدیکی دارند که یا خودشون یا

اجدادشون روستایی بودند و ته لهجه های مختلف دارند اون عطر و بویی که در این لهجه همراه ماست و به اصطلاح عادت ها و رسومات مختلف دارند و ته نشست ها و ویژوال های فکری دارند که اینها مربوط به روستاست. در سفر به روستا اینها برانگیخته میشه یعنی اون شیرینی و عشق و لذت رو معمولا به یاد میاره حالا اگر نفرت هم باشه ممکنه اینم به یاد بیاره خوب هرکس گذشته هرچه که هستیم ماه عسل به قول انگل هارد ماه عسل گذشته ماست. همین آدمی که اینجا نشستیم ماه عسل اون چیزی هست که بر ما گذشت مثلا ما در خانواده ای به دنیا اومدیم که فارسی حرف میزدن ما الان داریم خیلی راحت باهم فارسی حرف می زنیم. دیگری ممکنه که در ایتالیا به دنیا اومده باشه اون زبان ما رو نمی فهمه ولی یک زبان ایتالیایی داره که باز ما از اون خیلی اطلاعی نداریم مگر اینکه بر اثر آموزش های مکرر و مداوم که حدی از اون رو می تونیم یاد بگیریم. این اتفاق اتفاق خیلی مهمیه که ما در بحث گردشگری روستایی بهش توجه کنیم تو این گذشته نزدیک خود ماست گذشته نزدیک خود مردم. اونهایی هم که در شهرهای مثل تهران بودند. تهران قبلا هم کمتر از دویست سال پیش در حد یک روستا بوده عکس هاش هم هست یعنی خیلی این گذشته حتی برایش کلان شهری مثل تهران هم دور نیست بقیه شهرها هم که به همین ترتیب. اصفهان یزد همه یعنی این ویژگی های که الان روستای ما داره اینها دوقرن پیش نیست که در شهرهای ما هم بوده پس ما یک سفری هم به گذشته نزدیک می کنیم حالا مورفولوژی روستا - فرهنگ روستا - مردم روستا همون مردمان نیستند به علت همون حرفی که اول زدم که انسان ها با یک مفهوم و یک جمله تغییر می کنند با یک داستان و شعر ذهنیتشون متفاوت میشه و حواسمون باید کاملا باشه به این که این قضیه فوق العاده اهمیت داره.

ساختار تولید متحول شده هم در شهر هم در روستا اگر قدیم زنان و مردان دوشادوش هم در کشاورزی در دامداری در صنایع دستی در مشاغل اینچنینی با هم بودند فرض کنید اگر پشم داشتند خود زنان این را تبدیل به نخ می کردند ریسندگی وجود داشت دستی که الان ادوات و آثارش هست در برخی از روستاها بعد اینو تبدیل به پارچه می کردند استفاده می شد اگر دام بود شیر بود ماست - کشک - کره بود هرچی بود استفاده می کردند و این تحول ساختار تولید وقتی به وجود آمد وقتی ادواتی مثل تراکتور مثل چاه های عمیق - چاهای عمیق همانطور که میدونید مهمترین عامل نابودی قحطی ست قدیم که می گفتند

چنان قطع سالی شد اندر دمشق که یاران فراموش کردند عشق

به خاطر اینکه نمیتوستند با قلم - با شرایط جوی به اصطلاح مبارزه کنند و در آن تغییر ایجاد کنند قحط سالی و خشکسالی می شد مدرنیته در قالب پیشرفته و تکنولوژی اومده شیوه های تولیدی رو عوض کرده یکی از کارهای علمی که خیلی سر و صدا کرد در جهان توجه آقای دکتر باکویی یزدی بود به قضیه چرخ شیر. ایشون یه مقاله داره به نام چرخ و شیر که بیش از ۵۰ مقاله و کتاب در خارج از ایران راجع به این موضوع نوشته شده که وقتی چرخ شیر میاد در روستا اینو برای این میگم که وقتی شیوه های تولیدی که عوض میشه مناسبات اجتماعی هم تغییر میکنه و به اصطلاح اون ترونک ها و مشک های ماستی که قدیم برای درآوردن کره استفاده می شد به یک دهم و یک دوازدهم تقلیل پیدا میکنه اصلا مناسبات اجتماعی عوض می شه تعداد خانم ها که در تولید لبنیات - روغن دخیل بودند کم میشن تعداد چادرهای چادر نشین و به اصطلاح نیمه یکجا نشینی که حالا حتی در خود کسانی که تماما عشایر هستند متفاوت می شه و چرخ شیر - چاه عمیق - چاه نفت که بعد کل اقتصاد ما رو عوض می کنه و ما رو تبدیل به first rank میکنه ما رو تبدیل به دولت رانتی میکنه و تبدیل به یک اقتصاد نفتی می کنه کلا عوض کرده و اون تصور از روستا و اون تصور قدیم نیست در اینبنجاه شصت سال اخیر ساختار تولید عوض شده خوب که فعالیت های کشاورزی نیروهای کمتری می خوان درو - کاشت - داشت - برداشت فعالیت های دام داری خیلی

عوض شده که مهمترین آن چرخ شیر در استفاده از دام ها و امکانات بهتری که با ابزار و ماشین آلات و به اصطلاح تراک و تراکتور استفاده میشه ازش اتفاق افتاد که همین باعث شد که در روستاها هم بیکاری شود. اولین کسانی بودند که سطح مشارکتشون در مدرنیته - در روستا خیلی کاهش پیدا کرد یعنی جامعه روستایی ما تقریباً زنان رفتند که فقط فرزند بیارن به اصطلاح نشینند و زاینده شیران نر تقریباً از اون فعالیت های که می گن به اصطلاح ریسندگی داشتند به اصطلاح فعالیت دامی داشتند در فعالیت های کشاورزی داشتند دست شون تهي شد به خاطر اینکه صنعت تکنولوژی آمد این صنعت که اومد باعث شد فعالیت ها کم بشه الان در مرحله جدید خدمات گسترش پیدا کرده در تحول ساختار تولید ما با زنان و مردان تحصیل کرده در شهر و روستا مواجه هستیم وقتی که گردشگری روستایی اتفاق بیافته مشارکت زنان در فعالیت بیشتر میشه دوباره ما یک بازخوانی و فراخوانی تقریباً یکسانی برای مرد و زن در فعالیت داریم چون ما علاوه بر کشاورزی و صنایع دستی محدودی که در روستا ها بود وقتی به گردشگری بپردازیم دیگه به خدمات زنان نیاز داریم چون محور اصلی گردشگری فرآیند مهمانی و میزبانی ست .

مهمان بر ما وارد میشه با همه ویژگی هایی که در مبدا داره و ما میزبان هستیم که بتوانیم هاسپیتالیتی و مهمان نوازی و ویژگی های مقصد رو با میزبانی با فعالیت ارائه کنیم و این فرصت مهمانی و میزبانی را تبدیل به تجارت پر سود کنیم یعنی اون شرایطی که در گردشگری روستایی باید خیلی به آن توجه کنیم این مهمانی اون مهمانی مهربانانه ی قدیم مبتنی بر عاطفه و خون و مذهب و این حرفا نیست این معماری اون آیتم ها را داشته باشد عالی می شود اما مبتنی بر business هست یعنی مهمان برای میزبان باید منافی داشته باشد سه الگو و آیتم خیلی مهمه یکی منافع مهمان هست بالاخره متغیر اصلی مهمان هست که این مقصد را به عنوان یک روستا - attraction به عنوان یک جاذبه چه به شکل فرهنگی چه به شکل طبیعی چه بر اثر عوامل کششی یعنی تعریف هایی که از این روستا شنیده حالا چه در کویر است چه در جنگل هست چه در کنار دریا و چه در کوهستان هست و در هر جایی که هست تعریف شده عوامل کششی اینو وادار کرده که بیاد چه بر اثر عوامل رانشی که اینا در تعیین مقصد مهم است یعنی از شهر خسته شده میگه چند روزی بزنم برم در فلان روستا اتراق کنم یا فلان محله و روستایی رو یک سری بزنم و شنیده که ما در اینجا امکانات و وسایل میزبانی را فراهم کردم پس اول منافع مهمان هست در این صنعت . خوب اون باید احساس کنه که منفعتی دارد حالا این منفعت ممکنه اصلاً این Relaxation باشه آشنایی با فرهنگ و ساختار اجتماعی و اقتصادی و گردشگری که مبتنی است بر گردشگری کشاورزی و مزرعه و اکوتوریسم و تاریخی و هرکدوم از اینها باشه و هر دلیلی اگر غذا رو گفتن غذای روستایی که حالا در فرصت مناسبتر توضیح خواهم داد که چه بلایی سر غذای محلیمون اومده و ما باید غذامون رو کم کم به شکل فاخر نه به شکل چیپ و سطح پایین احیا کنیم به خودش و بتونه یک attraction و یک عنصر جاذبه باشه برای خوش . هیچ وقت کسی برای غذا ۵۰۰ کیلومتر بلند نمیشه بره تو کویر که مثلاً بخواد غذای کویر رو بخوره ولی اونم می تونه یک Favourite باشه یک option باشه که بهش کمک کنه و بالاخره باید این مهمان احساس منافع کنه از طرف دیگر میزبان باید احساس منافع کنه من یه وقت دانشجویی داشتم در شاید ۲۰ سال پیش تقریباً در کلاس بحث همین گردشگری تکلیف داده بودم این تکلیفش رو ننوشته بود خانم هم بود بعد منم خیلی خوش اخلاق نیستم گفتم حتماً باید تکلیفت رو بنویسی وگرنه از درس میوفتی گفت چی بنویسم . گفتم اهل کجایی ؟ گفت انزلی تو شهر . گفتم هر اتفاقی که در اونجا میوفته را بنویس . یک گزارش نوشته بود که من الان بعد از بیست سال دارم می خونم . نوشته بود که ما از گردشگر متنفریم یا وقتی که گردشگر میاد پل بسته میشه . یکی از اقوامنون زانو بود وقتی می خواست بره نتونست برسه و وقتی که میرن بطری های آب زیادی میمونه . چپیس و پفک و ... که می خورن همه

این ها رو میریزن یعنی یک گزارش داده بود که این برای ما هیچ فایده ای نداره حتی نان هم در ناوایی شهر ما پیدا نمیشه . حتی داروها و داروهای مسکن . اینها واقعیاتی ست که خیلی هم قشنگ نوشته بود که آقا یک هجومی به انزلی یا روستایی مثل ماسوله . می تونه ای تبعات رو هم داشته باشه که نان پیدا نشه . این ها رو ما از باب گردشگر می ریم اونجا میبینیم . اون از باب میزبان . میگه زندگیمه . مثلا این جمعه تعطیل بود ما می خواستیم بریم خونه فامیلمون رشت مثلا به اون ور این پل . اصلا ننوشتیم مثل اینکه یک برف سنگین اومده باشه یا یه زلزله ای اومده باشه ننوشتیم ماشین ها خیلی شلوغ کردند . بعد اینکه یک گزارش واقعی نوشته مجبور شدم یک نمره قبولی بهش بدم دیگه . من احساس کردم که فرم - کرملتون و دیگران که کار کردند راجع به مشارکت جامعه محلی ، تاکیدشون اینه که باید برای میزبان هم منافعی داشته باشد یعنی این گردشگری که میاد باید participation و مشارکت محلی رو برنامه ریزی کنیم . اون چیزدیگری که باید مانعش حفظ بشه محیط هستش . میهمان - میزبان و محیط هست . محیط بر اثر رفت و آمدهای تم و به اصطلاح اون حالت طبیعی خودش زیباست . اون چیزی که مثلا شما در سوسن چهل چراغ شما در رودبار منجیل شنیدید که گلی است که شب یک نوری است که ازش ساطع میشه و خوب این ممکنه چند ده هکتار داشته باشیم اگر ماهم دومیلیون نفر بریم اونجا برای دیدن این گل اثری از اون گل باقی نمی مونه یا مثلا برای همین گزارش هایی که سازمان WTO داره اشاره کرده که یکی جزیره ای یک روستایی مثلا این ظرفیت ۵۰ نفر رو داره که امروز مهمان باشه اگر قرار باشه که کنار این جزیره یک کشتی ۳ هزار نفری متوقف بشه و اینها برن تو فکر کنم مردم بومی اونجا باید سر پا و ایسن که اینا فقط بیان رد بشن . ضریب تاثیر و تخریبی که وارد می شه به محیط زیست فوق العاده بالاست حالا اگر به قول اون خانم دانشجو شما بطری نریزید و مشکلات دیگه به وجود نیاد و با گل ور نرن و لگد نکن و نچینن و امثال اینا که محیط خیلی مهمه ما می تونیم اون محیط رو حفظ کنیم البته محیط روستایی ما دیگه اون محیط روستایی نیست و هر روستایی ظرفیت ایجاد سایت گردشگری روستایی رو نداره به دو دلیل ۱- ظرفیت اون روستا که خیلی مهمه و ۲- برخی از طرح ها رو که ما طی بیست سی سال اخیر انجام دادیم که براساس مطالعه و برنامه ریزی نبود . مثل بهینه سازی روستاها لودر را راه انداختیم و اون روستا رو که حالت مالرو بود کوچه های پیچ در پیچ با درختان زیبا داشت می خواستیم مثل تهران و اصفهان صاف کنیم بلوار درست کنیم بعد بتون های قالب زده شده را رنگ قرمز و سفید و سبز نمی دونم دیدید یا نه که آلودگی صرف محیط زیست هست در اینها بکاریم که بگیم ما در روستا چه کار کردیم گاهی اوقات ما منابع را هدر می دهیم دولت ماقبل برنامه ریزی در ایران است خیلی چیزها رو نمی شناسه و برنامه ریزی می کنه برنامه ریزی نکنه خیلی بهتره پس روستاهایی می تونند برای ما Attraction داشته باشند که بافت روستایی خودشون رو حفظ کرده باشند. از نظر مورفولوژی و از نظر به اصطلاح ریخت شناسی محیطی ما احساس کنیم که به روستا اومدیم وگرنه یک کاریکاتور شهری یک تقلیل شده از این ساختمان ها و همین لوله ها در شهرهای بزرگ از آهن و سیمان و میلگرد و ... درست کردیم خیلی نمی تونه چیز جالب و جاذبی باشه ولی متاسفانه اکثر روستاهامون تخریب شدند. من همین چند سال پیش سفر کردم به افغانستان و از مرز دوقارون که رد می شدم دیدم اینقدر این خانه های روستایی گلی چون اونجا کمتر تحت تاثیر مدرنیته بوده اینقدر قشنگ و زیباست که اگر قسمتتون شد از مشهد به هرات برید کافیت فقط شما ببینید به یاد گذشته تهران-خراسان - آذربایجان میوفتید میبینید که روستا این بوده نه روستایی که ما الان شکلش رو بهم زدیم. البته هنوز هم هستند اولین مرحله ما در گردشگری روستایی ، وارد بحث کسب و کار بشم چون شما هم وقت گذاشتید و اومدید خیلی قصد دارم که نمیدونم همه اونا رو ارائه کنم و سرتون رو به درد بیارم اول اینکه استعدادیابی بکنیم ببینیم که کجاها استعداد داره و برای اینکه استعدادیابی کنیم و بقیه مراحل کسب و کار رو طی کنیم احتیاج به یک رویکرد تخصصی

داریم. گردشگری روستایی بیش از دیگر جاذبه های گردشگری احتیاج به رویکرد دانش محور و تخصصی داره اشتباه در همینجاست به محض اینکه ما شنیدیم بوم گردی گردشگری روستایی شروع کنیم به یک اقداماتی که مبتنی بر کارشناسی عمیق و با مطالعه نیست جذابیت درآمد و اشتغال چه برای روستایی چه برای شهری نباید ما رو وادار به عجله کنه که ما این عملیات سنگین را انجام بدیم هم به بافت روستایی خودمون و فرهنگ روستایی خودمون آسیب بزنیم و هم در گردشگریمون یک تجربه بدی اتفاق بیوفته باید حتما یک برنامه ریزی تخصصی قبلش باشه پس استعدادیابی خیلی برامون مهمه که ما بتونیم این استعداد رو پیدا بکنیم بعدا باید آموزش بدیم ما باید تورلیدرهای حرفه ای و ویژه روستا داشته باشیم که اینها هم علاوه بر اینکه باید به مفاهیم اصلی گردشگری آشنا و مسلط باشند باید به رویکردهای روستایی محدودیت های زبانی و فرهنگی ارزشهای بومی حتی با مطالعه وارد اون روستاها و شهرها بشه ما در گردشگری خصوصا در مقوله آموزش خیلی مهمه و خود من هم کمتر فرصت کردم بهش بپردازم به آیتمی داریم به اسم تفسیر به نام بیان در رابطه با جاذبه ها و از اون اول شما باید گردشگران رو از مبدا با ویژگی های شهری و با ویژگی هایی که خودشون دارن حرکت میکنن به سمت مقصد آماده کنید که در مقصد با چه واقعیتی روبرو خواهد شد. انتظارات اونقدر بالا نباشه که در اونجا ببینن در عکس ها و در فیلم ها و بروشور های تبلیغاتی دیدن در اونجا اتفاق نمیوفته باید آماده کنیم که شما که در اونجا می رید اون امکاناتی که شما در تهران دارید و به اصطلاح دسترسی هایی که دارید و رفاهی که دارین ممکنه که چه از نظر اقلیمی و چه از نظر به اصطلاح اجتماعی و چه از نظر امکانات و Furniture هستش وجود نداشته باشد تور لیدرها و تورگردان ها خیلی باید تخصص کافی در این زمینه داشته باشن و کار کنند که با کدوم واقعیت ها در طول سفر و در حین سفر و در مسیر و مقصد و حتی در برگشت که شما حتی برمی گردید ممکنه خسته برگردید آدمی که مثل ماها آفتاب کم دیده وقتی می ره تو اون آفتاب لذت می بره ولی وقتی این لذت رو در مرحله خاصی می بینه ممکنه یک لحظه دچار Depress بشه شما فکر می کنید که خیلی شاد می شید نه شما هم شاد می شین و هم غمگین می شین چون تجربه های تلخ و شیرین و تغییرات طبیعی و امثال اینها وجود داره و خیلی از مباحثی که مهم هستش ما باید در واقع یک نوع ساماندهی و سازماندهی asset ها و امکانات رو داشته باشیم برای اینکه حالا و چه برای مقصد Transport و حمل و نقل این مسائل و چه برای اقامت و پذیرایی و حتی ایجاد محل هایی برای خرید و حتی استفاده از به اصطلاح امکانات استفاده از ICT که فناوری اطلاعات و ارتباطات فوق العاده مهمه. طرف تو روستا میاد میبینی که نه تلگرام کار می کنه البته داره تلاش می شه که همه اینها انجام بشه نه اون امکانات تلفنی خیلی وسیعی هست که بازم داره رفع می شه ولی ممکنه که شما هم با این محدودیت ها روبرو بشی مثلا تاپ سی و اسنپ که شما الان دسترسی دارید ممکنه دیگه وجود نداشته باشه. شما با همین اتوبوس که تورتون هست و باید همدیگر رو تحمل کنید و با همکاری و مشارکت حرکت کنید و مهمترین مسئله تامین مالی است. تامین مالی برای یک سفر خصوصا در بحث اقامت کسانی که خصوصا شرکت هایی که میخوان در روستاها کار کنند این تصور کاملا غلط هست که فکر کنیم در روستا روستاییان خونه دارند و ما می تونیم استفاده کنیم. این یک هزارم اون چیزی که خواهد اتفاق افتاد نیست. روستایی برای خودش زندگی داره و یک نفر وارد خونه شما بشه و مهمان شما بشه اصلا زندگی شما تغییر می کنه لباس شما تغییر می کنه غذا و نحوه رفتارتون با هم تغییر می کنه مثلا می گن جلو مهمونه هیچی نگو اگر این چیز کمه به جوری رفع و رجوع بشه روستایی خیلی محدودیت های بیشتری پیدا می کنه وقتی شما مهمانش می شین اون به سر و لباس شما نگاه می کنه و می خواد سرویس بده به شما خوب این امکان رو نداره. ما در گردشگری روستایی رو باید در تجربه بنا کنیم هیچ کدوم از اینها از انواع مختلف گردشگری که ازش بحث می کنیم چه گردشگری روستایی چه طبیعت گردی چه تاریخی فرهنگی ایرانی نیستند. این صنعت

کاملاً غریبست. غرب به معنای بدش نه‌ها یعنی کشورهای دیگه این رو تجربه کرده‌اند. اولین کسانی که تجربه کرده‌اند و خوب ما از تجربه اون‌ها در سطح عالی استفاده کرده ایم فرانسوی‌ها بودن. نمی‌دونم چند تا از شما موزه میراث روستایی گیلان رو دیدین. یک کار فاخری که دکتر طالقانی انجام داد یک مدیریسک از فرانسه که حالا منم دستی از دور بر آتش داشتم و کنار این استاد بزرگ بودم که تونست این گذشته نزدیک که اول گفتم رو در گیلان حالا شرق گیلان برای جنوب و شمال گیلان احیا بکنه. رفتیم اونجا چون خونه‌ها چوبی بود قابل خریداری بود خریداری شد سروان هست اگر اشتباه نکنم. من توصیه می‌کنم قبل از اینکه به بحث گردشگری روستایی بپردازید یک بار دیگر که به رشت رفتید قبل از پل سراب از این‌ور هست مراجعه کنید به اونجا رو ببینید. شما اصلاً احساس می‌کنید از لباس و موسیقی و از کندوج اگر اشتباه نکنم و خیلی چیزهای دیگه که در اونجا هست تا جایی که آقای دکتر تونستن از سیمان از پلاستیک از آهن از این ابزارهای که مربوط به دنیای مدرن و تکنولوژی هست استفاده نکردند و تونستند یک نمونه‌ای رو ارائه کنند برای به اصطلاح نگه داشتن تاریخ گذشته بسیار نزدیک ما از ۱۵۰ یا ۱۸۰ سال تا ۲۰۰ سال دیگه بیشتر نداریم. شما اونجا ببینید که خونه ضد زلزله هست خونه‌ای که ۱۸۰ سال پیش ساخته شده به گونه‌ای است که زلزله‌های مهیب تا به حال خرابش نکرده ما برداشتیم و آوردیم دوباره در یک سایت دیگه قرارش دادیم با همون ابزار و همون چوب‌ها. شما اگه تشریف بردین حتماً ملاحظه کردین خوب اینها نشون می‌ده که دانش بومی در روستا‌ها و شهرهای ما هست و خصوصاً در روستاهایی که حالا بزرگتر بودند و دارای مناسبات اجتماعی فرهنگی و تکنولوژی بیشتری بودند که به اون باید توجه کنیم و اگر بخواهیم در گردشگری روستایی به شکل انبوه و شکل مفید و برنامه‌ریزی شده داشته باشیم که به محیط روستاییمون و به روستاییمون و به جامعه روستاییمون آسیب نزنه از یک طرف گردشگری که این انتخاب رو می‌کنه لذت ببره و براش مفید باشه باید سرمایه‌گذاری کنیم باید مکان‌های اقامتی رو بر اساس اون دانش بومی و با تکیه بر دانش مدرن و شما الان نمی‌تونید یه خونه‌ای مثلاً ۱۵۰ سال پیش به غیر از موزه شما در جایی که می‌خواهید بسازید حتماً آیم‌های قدیم که علم و تکنولوژی در اختیار شما قرار داده را استفاده کنیم و مکانی فراهم کنیم که خیلی از امکانات رو داشته باشه اما نوستالوژیک باشه. اما مبتنی بر المان‌های فرهنگی - معماری - اجتماعی - ارزشی جامعه گذشته. روستاهای مبتنی بر محل‌هایی که دارای آب بودند مثل حسن آباد - علی آباد - دولت آباد خصوصاً جاهایی که شیوه‌های تولید آسیایی بوده و بحث آب مهم بودند خیلی متفاوت‌اند با روستاهایی که مبتنی بر مذهب و یا یک مکان مذهبی اونجا باعث شده یا روستاهایی که مبتنی بر مسیر چهارراه‌ها بودند که دوکلانژ و ماها خیلی بحث‌ها رو کردند راجع به شهرها و روستاها که من خیلی نمی‌خوام که بحث تخصصی کنم اینهارو باید در نظر بگیریم و کسی باشه که سرمایه‌گذاری کنه. یک نکته: شما اگر تورتون از ۵۰ نفر کمتر باشه اقتصادی نیست یعنی شما برای ۵ نفر یک تور ببندید. بالاخره این لیدر می‌خواد وسیله نقلیه می‌خواد حجم مالی و شما نمی‌تونید از کسی که به گردشگری روستایی علاقه مندند یک پول گزاف رو بگیرید. تیراژ مهمه باید تیراژ براش ایجاد کنید که بعد بتونیم برنامه‌ریزی خوبی بکنیم و مقرون به صرفه باشه و به اصطلاح صاحبان پروژه هزینه‌های بالاسریتون رو پوشش بده و شما رو به منفعتی برسونه پس بر اون سه تا منفعتی که گفتم اول منفعت مهمان منفعت میزبان منفعت محیط منفعت شرکت هست و موسسه گردشگری رو هم اضافه کنیم یعنی چهارگروه باید در اینجا این منافع رو داشته باشند یعنی کسی که این صنعت رو سازماندهی می‌کند. بعداً شما می‌تونید کسب و کارهای مختلفی را راه اندازی کنید. این کسب و کارهایی که راه می‌افته در گردشگری روستایی یک مقدار متفاوت مشارکت جامعه محلی می‌تونه هزینه‌ها رو خیلی کاهش بده می‌تونه جذابیت‌ها رو بیشتر بکنه چون روستاییان باید احساس منافع بکنند اون احساس دختر دانشجو رو نداشته باشن که شما برین و اون روستاشون رو به هم بریزین آرامششون و مراسماشون رو خوب یک عروسی دارند اون‌ها برای ۵۰ نفر جا دارند ما فقط ۵۰۰

نفر داریم نگاهشون می کنیم نمی دونه اصلا چطوری بیاره سرویس بهداشتی چطوری تهیه کنه اصلا اون ۵۰۰ نفر ۵۰۰ تا فکر و ۵۰۰ تا بینشیم که داریم نگاه می کنیم یکی خوشمون میاد یکی بدمون میاد یکی رو چیپ می دونیم یکی رو فاخر می دونیم یکی از آهنگ خوشش می آید یکی از موسیقی و رقص خوشش نمی آید چون انسان یک موجود ناشناخته و چند لایه ای است که ماهیتش بر فیلسوفان و دانشمندان مشخص نیست و بحث گردشگری ست تولید محصول و به اصطلاح تعریف این محصول در گردشگری فوق العاده ارزش داره شما در کویر - جنگل - کوهستان هر کدام از اینها به ویژگی و آیت های خاص خودتون رو دارند قطعا آنچه در ارومانات هست در کویر متفاوت هست در یک زندگی روستایی کنار دریا شما از غذا و آداب و رسوم و نوع کشت و خیلی چیز ها و اتفاقات رو می بینیم که محصولات را بر اساس اونها تعریف می شه به همین خاطر گفتند که جامعه روستایی هم شما باید در تصمیم گیری ها مشخص کنید به اشتباهی رو من باید به عنوان معلم دانشگاه باید بگم فکر نکنیم اون روستایی که باید بیاد در برنامه ریزی شرکت کنه حتما باید حرف اون رو بپذیریم ولی باید حرف اون رو بشنوید و رعایت کنید این به یک رویکرد تخصصی احتیاج داره اون در این سطح نیست و این قابلیت رو نداره که بیاد بگه این برنامه ریزی باید اینجوری باشه اون باید بگه این محدودیت ها هست این خوبی ها هست و شما با یک اشرافی که در این صنعت هست باید برنامه ریزی کنید اون موقع که با این اشراف برنامه ریزی کردید می تونید موثر باشید و در دراز مدت در سطح گسترده یک نمونه دو نمونه قابل تعمیم برای روستاها و همه شهرها و برای همه این صنعت نیست که حالا ممکنه موفق باشه یا ممکنه که شکست خورده باشه اگر شکست خورد به این معنی نیست که دیگران هم دارن شکست می خورن دیگران باید با مطالعه بیشتری اینو انجام بدن و خوب می تونه این اتفاق بیوفته. رویدادها خیلی مهم اند الان شما می دونید که خیلی از کشورها در کل در گردشگری روستایی در کل گردشگری خیلی از کشورهایی که جاذبه آنچنانی ندارند دارن هتل می سازند و رویداد می گذارن همایش ها و فستیوال های مختلف جشن های مختلف حتی اصلا بر اساس این Theme base بودن و اقتصاد موضوعی بعضی وقت ها نمایشگاه ماشین و فرش دستی میزاره نمایشگاه انگور میزاره به چیزی میزاره که فصل سیبیه فصل خربزه ست فصل زعفران اخیرا در خراسان قبلا هم بوده خوب زعفران. از اون موقع که گردشگری راه افتاده خیلی خوب شده شما مثلا نگاه کن یک کالای گران قیمت و قشنگی رو که در زمستان گل میده و دنیا مشتریست هست سفران به اصطلاح می گه ببینید خوب میاد برایش تور تعریف می کنه این تعریف کردن تور یک کار حرفه ای و تخصصی ست حالا ما خودمون من خودم خراسانی هستم وقتی می رم می بیتم که در آخرای پاییز یک سفره بزرگی در خونه پهنه و نمی شه مثل قدیم حرکت کرد مثلا مادرم گل های زعفران رو جمع کرده چیده و می گه مواظب باش از این کنار برو آگه بشه با خودم ۵۰ نفر یک تور ببرم اصلا خوب جای اینو ندارم و ما باید یک فکر دیگه ای بکنیم اگر اون بیزینست باشه یا ما بریم از اینجا یا به فکر دیگه کنیم باید تعریف کنیم که بتونن همون جارو ببینن و هم به اصطلاح اون فرآیند مهمانی و میزبانی هم به نفع میهمان هم به نفع میزبان هم به نفع محیط زیست و هم به نفع اون کسی که این تور رو سازماندهی کرده استفاده بشه و بشه ازش استفاده بکنیم. خوب خیلی مهم است که ما بتونیم بازاریابی داشته باشیم تولید محصولاتمون باید متناسب با مقتضیات اجتماعی فرهنگی و امکانات اقتصادیمون باشه شما نمی تونید یک تور گسترده رو به جایی ببرید که امکانات خیلی محدودی داره یا نمی تونید یک تور محدود را ببرید و ازش صرفه اقتصادی داشته باشید. ۵ نفر رو ببرید اصلا و اگر این ۵ نفر پشت سر هم باشند و در قالب یک خانواده یک اقتصادی رو تعریف کرده باشیم به اصطلاح اون حد و limite منظور نظرمون باشه ممکنه در یک حد اقتصادی باشه ولی اگر بخواهیم به شکل بیزینس و کسب و کار بهش نگاه کنیم و اون کار رو کاسبی ما به عنوان موسسه و به عنوان شرکت و به عنوان تورگردان این باشه حواسمون باشه که



تیراژ تداوم توالی و تداوم هر کدوم از این ها فوق العاده اهمیت داره چه در لایسینز و چه در آیسینز باید حواسمون به این قضایا باشه و بتونیم این رو به اصطلاح کنیم. بازاریابی خیلی مهمه من خیلی از Attraction ها در گردشگری تاریخی و روستایی - در Event ها مشتری مخصوص خودشون رو دارند باید برنامه ریزیشون اون باشه. می خوان کسانی از آلمان و فرانسه و تهران و شیراز بیان. اینها در اینجایی که امکانات گسترده مثل هتل های بزرگ که ۱۰۰۰ تا - ۳۰۰ تا اتاق داره ۲۰۰ تا اتاق داره وجود نداره ممکنه به طور خواب باشه یعنی جامعه هدفمون منظورمون اینه که باید خیلی مشخص باشه. ممکنه اصلا کسانی باشند در گروه های محدودتر و ما بتونیم اینهارو در طول یک Season و فصل در طول سال حتی مرتب به صورت تایم ها و پریودهای مختلف تنظیم کنیم و بتونیم استفاده کنیم و در حد اقتصادی خودمون و در حدی که توانایی اقامتی و توانایی پذیرایی داریم جمع بندی کنیم که خیلی مهمه است و بازاریابی مون که ممکنه است بر یک بازاریابی مبتنی بر تخصص و رویکرد به اصطلاح قوی باشه نه باری به هر جهت باشه. مثلا کسی رفته در شهری یک هتلی ساخته. آقا من یک هتلی ساختم و شما دارید طرح ۱۰۰ هتل و ۱۰۰ کسب و کار رو می گید هتل من خالیه خوب می گیم که چه کسی باید هتلتون رو پر کنه می گه کسی نمی آد ۵ درصد ظرفیت داره و رشکست میشه به خاطر اینکه اون بازاریابی به ما بگه که اون گردشگری یک پکیج هستش حمل و نقل و تبلیغات و بازاریابی باید درست باشه حتی اون شبکه بین المللی و ملی و محلی و منطقه ای خوب خیلی اهمیت داره. یه بنده خدایی در شمال یک مجموعه اقامتی خیلی وسیعی ساخته بود من رفتم دیدم هر اتاق ۳۰۰ متر ۴۰۰ متر به اصطلاح واحد. خیلی هم لاکچری انگار زعفرانیه تهران میل آنچنانی. گفتم اینارو چرا ساختی؟ (می دونید چی شده مجتمع گردشگری و توریستی گرفته یه بار به سرش زده که در تهران خیلی می خرن می خواست بفروشه. گفتم وقتی شما مجوز توریستی گرفتی حق فروش یک واحد رو نداری شما نمی تونی بری سند بزنی برای طرف گفت بله متوجه شدم گفتم حالا چی گفت حالا کسی نمی آد گفتم شبی چند گفت شبی یک میلیون کمتر بیاد نمی صرفه برام) وقتی اصطهلاک سرمایه رو حساب می کنه اون تامین مالیه یادتون باشه در ایران پول گرانه و سیستم اقتصادی ما دچار ناکارآمدی هستش و نظام بانکی و پولیست که حالا زیرساخت های مختلف و تحلیل های مختلفی داره شما فیزیبری اینو برنامه ریزی کنی که هم از نظر اقامت و هم از نظر امکانات و هم بازاریابی. خوب وقتی من با این واقعیت روبرو شدم بهش گفتم تو می تونی اینهارو پر کنی خیلی خوشحال شد گفت چطوری؟ گفتم این مشتری خاص خودش رو داره اروپایی ها خیلی کمتر حاضرین به شمال ایران برن چون خودشون شمالی بهتر شمال ما دارند. کسی که فاست راین هست در اروپا در آلمان هست اصلا کویر و زمین مثل ما نمی بینه که مثلا بگیم بیاد. این جاذبه برای عرب ها ممکنه بتونیم اینکار رو بکنیم بهش گفتم برای بازاریابی نمی خواد تبلیغات بزنی مثلا یکی داره چایی می خوره بیاد اینجا چایی بخوره. با چایی این قضیه حل نمیشه برو تو فلان تور امارات این تبلیغات رو بزار آدم پیدا میشه. الان میگه کم کم آدما دارن پیدا می شن آدمی هست که حاضره هزار دلار بده و خانوادشون اصلا هم مهم نیست براش. من یک نکته رو عرض کنم وقتی که گردشگران از طبقه متوسط به بالا باشه یعنی بیش از سی هزار دلار درآمد در سال داشته باشند ۳۰ هزار دلار درآمد در سال بیشتر داشته باشند اصلا هزینه اقامت و بلیط حداقل همیشه. هر خریدشون دوسوم هزینه سفرشون هست این نکته رو قبلا گفتم دوباره هم می گم یعنی مهمه که شما کدوم گردشگر رو به کجا میاری. لریش اینه یعنی این امکانات رو برای کی ساختی و چگونه تبلیغ می کنی و این بازاریابی بازاریابی ممتدی باشه.

مسئله بعدی مسئله نظارت و پایش در کسب و کار هست که ما خوب هنوز در مرحله ای نیستیم که صنعت گردشگریمون گسترش پیدا کرده باشه صنعت گردشگری در ایران کنونی سنتی - محدود و پراکنده هست. هنوز نمی تونیم بگیم خیلی این صنعت راه افتاده. یک مقایسه خیلی اجمالی هم شما بکنید با توجه

به وسعت و جمعیت و Attraction های فاخر ایران چه از نظر طبیعی و چه نظر تاریخی و فرهنگی و میراثی خدماتی (گردشگری پزشکی : شما دکترهای خوبی دارید امکانات خیلی خوبی دارید ولی گردشگری پزشکیون از ترکیه و اردن و... خیلی کمتره انتزاج و توام شدن دو صنعت خیلی مهمه یکی صنعت پزشکی و دیگری صنعت گردشگری شما در گردشگری ضعیف هستیید محمود هستیید یک قاچاقچی خیلی سود می کنه یه راننده تاکسی بیماران پیدا می کنند شناسایی می کنند می رن با سران قبایل در عراق - آذربایجان - افغانستان ارتباط برقرار می کنند مریض رو برمی دارن میارن اینجا حالا چه بلایی سرش میارن یا کجا عملش می کنند چه امکاناتی بهش می دن . این در شان ایران نیست ها . اون سود می کنه خیلی هم تبلیغ میکنه که من تونستم این کار رو بکنم و آلبومی داره و پزشکای معروف ایران رو سریع نشون می ده و میگه کدوم رو می خوام عملت کنه مثلا دکتر ..... به خود من هم نشون داد چون گفتم مریض دارم گفت مریضتون کدوم رو می خواد . این اینقدر قیمت می گیره این اینقدر اگر آسیستانش عمل کند اینقدر. ببینید اینو ما باید سامان دهی کنیم و ما تلاش هایی کردیم برای این قضیه می خوام بگم که ما هنوز پراکنده هست کارمون . هنوز وارد این صنعت به شکل گسترده و انبوه که برای کشور موضعی مثل ایران که دشت و دریا و کوه و صحرای اون واقعا دیدنی ست و ممکنه شما کمتر اینو در محل هستیید احساس بکنید و برای شهر موزه هایی مثل اصفهان - مثل شیراز که اصلا تمدن ایرانی همه کشورهای عربی رو جمع کنید اندازه یک هزارم شیراز آستان باستانی ندارند و اصلا نمی تونن مثل اهواز - شوش - کرمانشاه - مثل همدان - یزد - کرمان - مشهد و قزوین هر جا رو که تعریف می کنید می گید که این یک نگارستانی ست که پر از شهر موزه های متعدد هست اما ما هنوز نتونستیم براش برنامه ریزی بکنیم . دولت هم فعلا هنوز برنامه مشخص و مدونی نتونسته اعلام کنه حتی ما سواد و تخصص این کار رو هم به شکل گسترده نداریم. البته ما سالهاست در انجمن ملی گردشگری و دانشگاه ها تلاش می کنیم تا این گفتمان توسعه گردشگری رو ایجاد کنیم و بتونیم ایشالله یک فرصتی رو فراهم کنیم .

وقتتون رو زیاد گرفتم می خوام بگم که حالا برای بحث گردشگری اون بحث نظارت اینه که ما دوکار باید بکنیم یک نظارت کنیم و دو باید ببینیم مردم دیگر و موفق جهان یعنی در بیزینس مدل های خودشون و در بیزینس پلن های خودشون در همین گردشگری روستایی چه کارهایی کرده اند. اونا رو اگر ندونید از تجربه خالی هستیید مثلا الان در فرانسه اون کارهایی که یک دهه قبل چون الان علم خیلی سریع داره عوض می شه راجع به گردشگری روستایی میشه رو عوض کردند از تجربه اونها مبتنی بر ساستر نیبیلیتی و توسعه پایدار و مشارکت مردم و مبتنی بر احساس منافع همه گروه های ذینفع و مشارکت گسترده استفاده کنیم اونها کارهای خیلی مهمی کردند از ما جلواند بپذیریم . حالا یه سریها می خواهند به همه درس بدن که نه اونا . اونا کار کردند تجربه کردند این بیزینس رو این رشته و موضوع فعالیت را راه انداختند ما به نوعی داریم تقلید می کنیم اینها رو استفاده کنیم و اننشالله بتونیم به سطح گسترده ای برسونیم و بعدا نظارت کنیم که بتونیم منافع گروه ها و منافع روستا و محیط روستا اجتماع و فرهنگ و همه اون چیزها حفظ بشه البته یک تعالی خیلی گسترده ای شما در روستا خواهید داشت . این تعامل بین شهر و روستا تعامل بین میهمان و میزبان به رشد میزبان کمک می کند و به تغییر و رشد میهمان هم کمک می کند. باعث می شه که ما بفهیم روستایی به معنی اون آدمی که از فرآیند توسعه بازمونده و اینها نیست البته من خودم روستاییم و ممکنه بیاد حرف هم بزنه برای شهریها . شهری هم حالا به معنی یک آدم خیلی خشک و بی روحی هست و بالاخره اصلا عاطفه خانوادگی نداره چون معمولا اینها رو در روستاها می گویند که در شهر این عاطفه ها نیست و کرسی نیست و شب نشینی نیست اون مقتضیات زندگی خودشو داره و این هم مقتضیات خاص خودشو داره . دولت در این برنامه ریزی اخیرش اومده دوتا تصمیم گرفته که امیدوارم مبتنی بر برنامه باشه امیدوارم این تصمیم های خوب که بهش می گیم سیاست گذاری . سیاست

گذاری در دانشگاه به این معنا می‌گیم که یعنی آنچه که دولت می‌خواهد انجام بدهد یا انجام ندهد که خیلی از دانشمندان بحث کردند که من اسمشون رو نمیگم دیگه بتونیم یک راهبرد و یک استراتژی خوبی را داشته باشیم مبتنی بر شناخت یعنی بر شناخت دنیا شناخت موضوعی دنیا در هر یک از رشته‌های گردشگری که وارد می‌شوید مثلا ما فکر می‌کنیم که گردشگری کویر و بیابان مختص ماست دیگه شنیده بودیم که **Go back camel driver** برگردید شترسواران قبلا غربی‌ها به ما فحش می‌دادن خوب من در کویرهای خودمون هم شترسواری دیدم که دارن پول می‌گیرن و ما قیافه می‌گرفتیم که ما هستیم و اینا .

اخیرا به اسپانیا سفر کردم و اون کسی که ما رو به اصطلاح به تور برد به یکباره به ما گفت که الان شما رو با یک چیز خاصی روبرو می‌کنم رفتیم دیدیم تعداد زیادی شتر هستش گفت ما اینجا شترسواری داریم. باور نمی‌کردم که اروپایی‌ها از شترسواری پول درمیارن . آقای دکتر رضوانی هم با من بود . آقای دکتر رضوانی استاد مسلم گردشگری روستایی هستش . اگر یه سرچی بکنید دکتر محمدرضا رضوانی . بعد که ما دیدم که طرف ۳۰۰ تا شتر داره تو اروپا ۲۰ تا اتوبوس هم ایستادن اون کنار همه منتظرن که سوار بشوند . ۲۰ دلار می‌گرفت ۲۰ دقیقه می‌چرخوند . ۲۰ دلار کمه یا زیاده ؟ چگونه ؟ خوب بعد من دیدم که خیلی جالبه اینجا کلی بازار راه افتاده کلی آدم دارن وسایل سنتی - صنایع دستی و اینهارو می‌فروشند کلی غذا دارن می‌فروشند کلی موسیقی می‌زنند و مثلا یک محیط طرب انگیز و شادی رو فراهم کردند و هر شتر هم ۴ نفر رو سوار میشدند . ۴ تا ۲۰ تا می‌شد . ۲ نفر اینور و دو نفر آن طرف . یعنی یک کجاوه ای بسته بود و اینطور نبود که مثل ما بشینند روی شتر و هر طرف دو نفر می‌نشستند و خیلی هم زیبا و فاخر خیلی هم لذتبخش . بعد به آقای دکتر گفتم که نظرت چیه گفت فهمیدم ما پنج تا شتر داریم . وقتی گفتم گردشگری ما محدوده خوب ما ۵ تا شتر را هزینه خرجش رو نمی‌تونیم بدیم دو نفر باید اونجا بایستد و پنج نفر هم می‌خواهند اونجا سوار بشن به اون شکلی که ما سوار می‌شیم خوب اینا تا برن و بیست دقیقه هم بیان پول هم که حاضر نیستیم هزینه کنیم . این الان داره به میهمان خارجی که ما هستیم مثلا می‌فروشه البته ما سوار نشدیم فقط نگاه کردیم خوب من اصلا خود شتر را سوار شده بودم چه احتیاجی بود که روی کجاوه بشینم ولی برای ما مهم بود که این صنعت رو ببینیم . وقتی ۳۰۰ تا شتر حرکت می‌کرد خود این منظره یک **Attraction** بود و موبایل من پر هست از عکس‌هایی که اون زمان گرفتم . برای خود کسانی که سوار بودند یک **Image** خیلی هیجان انگیز ایجاد کرده بود و یک تپه ای هم بود می‌رفتن از اون ور تپه دور می‌زدند و شترها می‌نشستند و شترها پیاده می‌شدند و باز گروه بعدی سوار می‌شدند یعنی حتی اروپایی‌ها دارن از این آیم خیلی خوب استفاده می‌کنند و به شکل محدود اون قرار گرفتیم دیگه من می‌خوام بگم وقتی دولت این کار رو کرده یعنی ۱۲۰۰ میلیارد تومان برای گردشگری روستایی اختصاص داده و ۱۲۰۰ میلیارد تومان در همین سال آینده برای صنایع دستی . امیدوارم بر اساس برنامه ریزی که بتونه هم کمک بکنه به صنعت گردشگری هم کمک کنه به روستایی هم کمک کنه به میهمان که می‌خواهد از اونجا بازدید کنه این امکانات فراهم بشه و امکاناتی که بتوانیم از آن استفاده کنیم .

حضور آقای برزگر که شما موفقیت‌های ایشان رو زیاد دیدین به ایشان خوش آمد می‌گوییم و امیدوارم که همه روستایی‌ها مثل آقای برزگر فکر کنند که می‌تونن بالاخره دستی در این صنعت داشته باشند و از تجربه من گوش کردم کلیپی از ایشان پخش شد در تلویزیون هم نگاه کردم دیدم که خیلی انسان موفقی بودند اگه شما مقایسه کنید با بقیه هم کلاسی‌ها و دوستانشون می‌بینید که تونسته یک **Hopscotch** جهش خیلی بالایی داشته باشه و از این جهت تجربه خوبی دارند و این تجربه تجربه فردی ست ممکنه قابل تعمیم نباشه و مختص نوآوری خود این آدم بزرگه که این کار رو کردند . می‌دونید برای چه اینها رو می‌گم به خاطر اینکه خیلی‌ها خودشون رو تو هوس نندازند و برن و خودشون رو بیچاره کنند . باید در نظر

بگیریم شرایط و سختی ها و سخت کوشی ها و نوآوری ها و بالاخره ویژگی های فردی ایشان که موفقیت خوبیست الان در روستاهای ما هم که هنوز نرفته دارن تعریف می کنند که عباس برزگر موفق بوده ما هم میگیریم آری موفق بوده اما کشور باید به شکل کلان برنامه ریزی کنه تا مشارکت بخش خصوصی و مشارکت اندیشمندان و دانشمندان برانگیخته بشه و اونها بتونن زمینه ای رو برای به اصطلاح به وجود اومدن انسان های موفقی مثل آقای برزگر فراهم کنه شاید ایشان اگر کمک بشن اگر برنامه ریزی بهتر بشه هم کمک فکری و تخصصی هم کمک های دیگر شاید خود ایشان هم بتونن چندین برابر وضعیت فعلی موفق بشه که آرزوی توفیق بیشتر داریم برای ایشان و خانواده محترمشون . من دیدم خیلی زحمت کشیدن اینها تونستند در واقع به عنوان یک هسته خانوادگی به خودشون به اقتصاد ملی و بین المللی با تعامل با ارتباط با ایثار . مثلاً نوع غذایشون رو که عباس آقا می گفت من گوش میکردم احساس میکردم که با ایثار غذا نخوردیم ولی غدامون رو به گردشگر دادیم رشد بدهند. این نون ها یولیک هستند کاملاً فردی و منحصر به فرد هستند حواسمون باشه آنچه که در صنعت اتفاق میوفته خیلی گسترده تر و کلان تر هست و باید با احتیاط و برنامه ریزی و با درایت و با پیش بینی مبتنی بر علم و دانش حرکت کنیم تا انشاءالله ایرانی آباد و مردمی شاد سرافراز و توسعه یافته داشته باشیم .